

بررسی تطبیقی ساختار آیات جهاد *

□ محمدجواد نوروزی **

□ سید احمدحسین حسینی ***

چکیده

یکی از مباحث مهم در حوزه تفسیر و علوم قرآنی بررسی تطبیقی سیر نزول آیات جهاد است. در قرآن کریم، واژه جهاد سه بار در سوره‌های توبه/۲۴ سوره فرقان/۵۳ و ممتحنه/۱ به کار رفته است. در برخی از این آیات صحت و مشروعیت جهاد منوط به آغاز جنگ از طرف دشمن است، اما در برخی دیگری از آیات صحت جهاد مشروط به آغاز جنگ از طرف دشمن نیست بلکه شروع ابتدایی جنگ را برای گسترش اسلام جایز دانسته است.

برای رفع تنافی بین این دو قسم آیات یکبار حمل آیات مطلقه بر مقیده شده که نتیجه اش وجوب دفاع و جنگ با دشمنان در صورت حمله آنهاست. گاهی نیز ادعای نسخ آیات مقیده به وسیله آیات مطلقه شده است، نتیجه‌اش جواز جنگ ابتدایی با دشمن برای گسترش اسلام است. برای تشخیص سیر نزول اولین آیات تشریح چند راه اندیشیده شده است، با توجه به تاخیر نزول سوره حج از سوره بقره، بین سه دیدگاه، دیدگاه اولی مورد قبول است و آیه ۱۹۰ بقره اولین آیه تشریح جهاد است.

کلیدواژه‌ها: تطبیقی، جهاد، قتال، تشریحی.

* تاریخ وصول: ۱۳۹۵/۸/۲؛ تاریخ تصویب: ۱۳۹۵/۱۰/۱۲.

** استاد یار جامعه المصطفیٰ العالمیة (Jnorozi_1@gmil.com).

*** دکتری تفسیر تطبیقی علوم قرآن (نویسنده مسئول).

مقدمه

اسلام دین کامل و جامع الهی است که سعادت بشر تا روز قیامت در آن تضمین شده است. برای گسترش و حفظ تعالیمش راه کارها و قوانین مختلف تشریح گردیده است. یکی از این قوانین بر اهمیت قانون جهاد اسلامی است. قرار است که این دین جاودان با شد، و تحولی بوجود بیآورد، آداب و عادات غلط را درهم بکوبد، جلو ظلم و استعمار را بگیرد، عدل و انصاف را در سراسر جامعه برپا سازد، بر حکومت غیر خدا خط بطلان بکشد و حکومت الله را حکم فرما نماید. چنین تحول و انقلاب با منافع و مطامع گروهی که عادت به پایمال کردن حقوق دیگران و استبداد دارند، سازس نخواهد داشت، و آنها تسلیم نخواهند شد. در برابر چنین جبهه‌گیری‌ها و تحرک خصمانه، راه فقط تشریح جهاد است. اسلام، دینی مثبت است، نه منفی. اسلام با هر کسی که از حق و عدالت پیروی نکند و در زمین فساد ایجاد کند می‌جنگد. در دین اسلام، کفر به خدا نوعی ظلم و فساد به شمار می‌رود.

از جمله آیات تشریحی قرآن کریم، آیات تشریح جهاد است که مربوط به دوران مدینه است. آیات جهاد برخی مطلق اند یعنی جهاد را برای گسترش اسلام و دفع ظلم و آزاد کردن انسان‌ها میداند در حالی که برخی دیگر از این آیات مشروط‌اند، یعنی جواز جهاد را مشروط به شروع جنگ از طرف دشمن می‌داند. به عبارت دیگر، جهاد فقط جنبه دفاعی دارد و در غیر این صورت مشروع نیست.

دانشمندان و مفسران به تبع این دو طایفه از آیات چند نظر ارائه نموده‌اند: برخی قایل به جواز جهاد ابتدایی شده‌اند در صورتی که طایفه دوم قول به جهاد دفاعی را پذیرفته‌اند، این در حالی است که برخی قول سوم را پذیرفته که لازمه‌اش آن است که هر یک از جهاد ابتدایی و دفاعی با شروطی در اسلام تشریح گردیده و با فراهم آمدن مقدمات آن واجب می‌گردد. برای یافتن نظریه درست و رفع این اختلاف یا باید راهکار نسخ آیات مطلق توسط آیات مشروط را پذیرفت، یا آنکه آیات مطلق را حمل بر آیات مقید کرد که نتیجه‌اش مشروعیت جهاد دفاعی یا راهکار بین این دو قول بوده که منجر به پذیرش قول سوم است. این پژوهش با بررسی سیر نزول آیات جهاد به دنبال یافتن راهکار صحیح می‌باشد.

مفهوم‌شناسی

۱. تطبیقی

تطبیقی، بررسی یک موضوع یا مسئله با دو رویکرد است که از دو مرحله تشکیل می‌شود.

۱. پیدا کردن موارد شباهت و تفاوت. ۲. تحلیل و تبیین شباهت‌ها و تفاوت‌ها و گاه با نقد همراه است و ممکن است نظریه جدید به دست آید.

۲. جهاد، در لغت: از مادهٔ جَهَد، به معنای سختی و مشقت و یا از جُهْد، به معنای وسعت، قدرت و توان آمده است. بعضی لغت‌شناسان هر دو را به یک معنا، صعوبت و مشقت گرفته است. در کتاب لغت العین می‌نویسد: جَهْد و جُهْد، هر دو به معنای تحمل رنج و مشقت است؛ و در معنای جُهْد گفته است: رساندن یک امر به انتهایش است (فراهیدی، ۱۴۲۴: ۱/۲۶۹).

در کتاب اقرب الموارد می‌نویسد: جهاد به معنای حمایت از دین حق، مصدر باب مفاعله از جَهْد، به معنای مشقت و طاقت است. و جَهَاد به معنای زمین سخت است و جُهَاد به معنای نهایت سعی و تلاش است (شرتونی، بی‌تا: ۱/۱۴۵).

مصباح المنیر می‌نویسد: جُهْد لهجۀ حجاز است و جَهْد لهجۀ دیگران است و هر دو به معنای وسعت و طاقت است (فیومی، بی‌تا: ۲/۱۱۲).

ابن منظور به یک نکته اشاره دارد، می‌نویسد: جَهْد و جُهْد در بعضی معانی مثل وسعت و طاقت مشترک است. ولی در بعضی معانی، جَهْد به معنای مشقت و غایت است اما جُهْد به این معنا نیامده است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲/۲۹۵). در مقایسه اللغه می‌نویسد: ماده (ج ه د) به معنای مشقت است. هر صیغه که مشابه جَهْد باشد به همین معنای مشقت می‌آید. به زمین سخت و مشقت‌دار جَهَاد می‌گویند؛ و جُهْد به معنای طاقت است (ابن فارس، ۱۴۲۰: ۱/۲۴۹). در مفردات می‌نویسد: جهد با فتحه جیم به معنای مشقت و سختی و با ضم کوشش گسترده و وسیع به اندازه انسان است. الْجِهَادُ: استفرغ الوسع فی مدافعة العدو (راغب اصفهانی، ۱۹۹۶: ۲۰۸).

خلاصه: جهاد اگر از جُهْد باشد به معنای وسعت، قدرت و توان است. اگر از جَهْد باشد به معنای سختی و مشقت است. به نظر می‌رسد جهاد از جَهْد باشد و به معنای، سختی و مشقت، این مناسب‌تر با موضوع جهاد در راه خدا باشد.

جهاد در اصطلاح

مفسران و فقها در کتاب‌های تفسیری و فقهی برای جهاد در اصطلاح تعریف‌هایی ارائه داده‌اند. در تفسیر کنز العرفان می‌نویسد: جهاد در شرع بذل مال و ایثار جان و آنچه که متوقف بر آن است از مال در جنگ با مشرکان یا اهل بغی بر روش مخصوص یا بذل نفس و مال و توان و طاقت است برای برتری کلمه اسلام و بر پا داشتن شعایر ایمان (سیوری، ۱۳۷۷: ۱/ ۴۸۵). نیز صاحب جواهر در ابتدای کتاب جهاد، همین تعریف را خلاصه کرده، می‌نویسد: جهاد، بذل جان و مال و توان خویش در راه اعتلای کلمه اسلام و اقامه شعایر ایمان است (نجفی، ۱۹۸۱: ۳/۲۱).

۳. قتال، واژه قتال در لغت از اصل قَتَلَ زایل کردن روح از جسد است (حسین یوسف، ۱۴۱۰: ۱/ ۴۶۸). و قتال: به معنای جنگیدن با همدیگر و کشتن همدیگر است (قرشی، ۱۳۷۱: ۵/ ۲۳۲) قتال: از قتل به معنای زایل کردن روح از جسد است مثل مرگ و موت، ولی به کار بردن واژه قتل به اعتبار کاری است که قاتل انجام می‌دهد و اگر به اعتبار فوت شدن حیات و زندگی باشد موت به کار می‌رود (راغب اصفهانی، ۱۹۹۶: ۶۵۵).

۴. تشریحی، از شرع گرفته شده و شرع مصدر است، بعداً به صورت اسم برای راه، به کار رفته که آن را شَرَع و شَرِيعَة گفته‌اند، سپس برای راه خدایی و الهی استعاره شده است (همان: ۴۵۰).

و تشریح در اصطلاح، جعل قوانین مستند به شرع است.

کاربرد قرآنی واژه جهاد

در قرآن کریم ماده (ج ه د) ۴۱ بار به کار رفته است، و در اکثر موارد از باب مفاعله است، ۵ بار از ریشه جهَد به معنای سخت، مؤکد و با قسم استعمال شده است مانند: «و يَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا أَ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ» (مائده: ۵۳)، و مانند: «وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِنْ جَاءَتْهُمْ آيَةٌ لِيُؤْمِنُوا بِهَا» (انعام: ۱۰۹) و مانند: «وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَأَبْعَثُ اللَّهُ مَن يَمُوتُ» (نحل: ۳۸) و مانند: «وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِنْ جَاءَهُمْ نَذِيرٌ لَّيَكُونُنَّ أَهْدَىٰ مِّنْ إِحْدَى الْأُمَمِ» (فاطر: ۴۲) و یک بار نیز از ریشه جهَد به معنای طاقت و استطاعت است.

مانند: «وَالَّذِينَ لَا يَجِدُونَ إِلَّا جُهْدَهُمْ فَيَسْخَرُونَ مِنْهُمْ سَخِرَ اللَّهُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (توبه: ۷۹).

در قرآن کریم برای جنگ در مقابل دشمنان اسلام، گاهی از کلمه جهاد و گاهی از قتال استفاده شده است.

اما واژه جهاد، سه بار در قرآن کریم به کار رفته است. یک بار به معنای لغوی به معنای نهایت کوشش آمده، دو بار به معنای اصطلاحی فقهی آن، واژه جهاد در آیه: «فَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَ جَاهِدُهُمْ بِ جِهَادٍ كَبِيرٍ» (فرقان: ۵۳) (بنابراین، از کافران اطاعت مکن، و به وسیله آن [قرآن] با آنان جهاد بزرگی بنما!) به معنای لغوی آن است.

و در آیات زیر به معنای اصطلاحی به کار رفته است.

۱. قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ (توبه: ۲۴)؛ گر پدران و فرزندان و برادران و همسران و طایفه شما، و اموالی که به دست آورده‌اید، و تجارتی که از کساد شدنش می‌ترسید، و خانه‌هایی که به آن علاقه دارید، در نظرتان از خداوند و پیامبرش و جهاد در راهش محبوب‌تر است، در انتظار باشید که خداوند عذابش را بر شما نازل کند؛ و خداوند جمعیت نافرمان‌بردار را هدایت نمی‌کند

علامه طباطبایی در ذیل همین آیه می‌نویسد: اینجا مراد از جهاد همان جهاد اصطلاحی است چون با مخالفتش در دین شکاف و نقیصه وارد می‌شود؛ و موجب فسق انسان می‌شود (طباطبایی، بی تا: ۹/۲۷۶).

۲. ... إِنْ كُنْتُمْ خَرَجْتُمْ جِهَادًا فِي سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي تُسِرُّونَ إِلَيْهِمْ بِالْمُودَةِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِهِ مَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَمْتُمْ وَمَنْ يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ (ممتحنه: ۱)؛ اگر شما برای جهاد در راه من و جلب خشنودیم هجرت کرده‌اید؛ پیوند دوستی با آنان برقرار نسازید! شما مخفیانه با آنها رابطه دوستی برقرار می‌کنید در حالی که من به آنچه پنهان یا آشکار می‌سازید از همه دانایترم! و هر کس از شما چنین کاری کند، از راه راست گمراه شده است. شان نزول آیه در باره مسلمان معروف، حاطب بن ابی بلتعنه است که نامه‌ای سری به مشرکین مکه

فرستاد، و در آن از اینکه رسول خدا^۱ تصمیم دارد مکه را فتح کند به ایشان گزارش داد. این آیه مربوط به جهاد اصطلاحی است.

انواع آیات جهاد

چنان که در مباحث پیش بیان شد آیاتی که بر وجوب جهاد دلالت دارند بسیارند، اما در مجموع به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۱. برخی از آیات جواز قتال را مقید به صورتی می‌کند که آغاز قتال از طرف دشمن باشد، به این دسته از آیات جنگ مقیده می‌گویند.

۲. برخی دیگر آیات مطلقه‌اند، یعنی برای گسترش اسلام جنگ را جایز دانسته و مشروط به شروع جنگ از طرف دشمن نیست. برای هر یک از اقسام پیش گفته به چند نمونه از اشاره می‌گردد:

الف. آیات مقیده، مانند: ۱. «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (بقره: ۱۹۰)؛ و در راه خدا، با کسانی که با شما می‌جنگند، نبرد کنید! و از حد تجاوز نکنید، که خدا تعدی‌کنندگان را دوست نمی‌دارد. این آیه صریحاً امر به قتال و جهاد می‌کند. در مقابل کسانی که با مؤمنان می‌جنگند. و ادعا شده است که این اولین آیه ای است که دستور جهاد می‌دهد (طباطبایی، بی تا: ۲/ ۶۰).

۲. «أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بَأْنَهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ» (حج: ۳۹) (به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل گردیده، اجازه جهاد داده شده است؛ چرا که مورد ستم قرار گرفته‌اند؛ و خدا بر یاری آن‌ها توانا است) این آیه هم مقیده است. بنابر اینکه «یقاتلون» مجهول باشد که قرائت مشهور هم همین است. علامه طباطبایی می‌نویسد: قرائتی که در میان همه مسلمین دائر است این است که جمله «یقاتلون» را به فتح تاء و به صیغه مجهول می‌خوانند، که معنایش: «کسانی که مورد کشتار مشرکین واقع می‌شوند» است (یعنی کسانی که مشرکین ایشان را می‌کشند) و فلسفه این اجازه هم همین است که مشرکین آغاز به این عمل کردند، و اصولاً خواستار جنگ و نزاعند (طباطبایی، بی تا: ۱۴/ ۳۸۴).

ب. آیات مطلقه، مانند: ۱. «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كَرْهٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (بقره: ۲۱۶) (جهاد

در راه خدا، بر شما مقرر شد؛ در حالی که برایتان ناخوشایند است. چه بسا چیزی را خوش نداشته باشید، حال آن که خیر شما در آن است؛ و یا چیزی را دوست داشته باشید، حال آنکه شر شما در آن است؛ و خدا می‌داند، و شما نمی‌دانید) مفهوم این آیه قتال در مقابل قتال دشمن نیست، بلکه وجوب جهاد را به صورت مطلق می‌رساند. کلمه کُتِبَ دلالت بر وجوب دارد. در کنز العرفان می‌نویسد: کتب یعنی واجب شده است بر شما جنگ با مشرکین، و این آیه دلالت بر وجوب جهاد دارد. (فاضل مقداد، ۱۳۷۷: ۱/ ۴۸۷). علامه طباطبایی هم دلالت آیه بر وجوب قتال را صریح می‌داند، و می‌نویسد: کتابت ظهور در واجب شدن دارد، البته اگر کلام در زمینه تشریح باشد، اما اگر در زمینه تکوین باشد، آن وقت معنای حکم قطعی را می‌دهد؛ و چون زمینه گفتار مساله تشریح است کلمه (کتب) معنای (واجب شد) را می‌دهد، پس آیه دلالت دارد بر اینکه جنگ و قتال بر تمامی مؤمنین واجب است، چون خطاب متوجه مؤمنین است (طباطبایی، بی‌تا: ۲/ ۱۱۴).

۲. «وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ ...» (حج: ۷۸) (و در راه خدا جهاد کنید، و حق جهادش را ادا نمایید! او شما را برگزید، و در دین اسلام کار سنگین و سختی بر شما قرار ندارد این آیه مطلقه است و دلالت بر وجوب جهاد بدون شرط دارد زیرا صیغه امر (جاهدوا) دلالت بر وجوب می‌کند؛ و مشروعیت آن منوط به شروع جنگ از طرف دشمن نشده است.

۳: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلِيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ» (توبه: ۱۲۳) (ای کسانی که ایمان آورده‌اید! با کافرانی که به شما نزدیک‌ترند، پیکار کنید!) و دشمن دورتر، شما را از دشمنان نزدیک غافل نکند! آن‌ها باید در شما شدت و خشونت (و قدرت) احساس کنند؛ و بدانید خداوند با پرهیزگاران است.

در این آیه نیز حکم جهاد مشروط به شرطی نیست. درباره اطلاق این آیه و فلسفه حکم عمومی جهاد، علامه طباطبایی می‌نویسد: در این آیه شریفه دستور جهاد عمومی داده شده تا از هر طرف در دنیا، اسلام گسترش یابد، چون وقتی می‌فرماید: هر طائفه از مؤمنین باید با کفار هم جوار خود کارزار کنند معنایش همان گسترش دادن اسلام و برقرار کردن سلطنت اسلام است بر دنیا، و بر تمامی ساکنین ربع مسکون این زمین است (طباطبایی، بی‌تا: ۹/ ۴۰۴).

راه حل رفع تنافی ظاهری آیات

چنان‌که معلوم شد آیات جهاد در ظاهر با نوعی تنافی روبه‌رو هستند به طوری که اخذ به هر دو امکان ندارد. برای رفع تنافی و جمع بین این دو قسم آیات مفسرین و فقها چند تا راه حل ارائه داده‌اند:

اول، تصرف در ظهور مطلق و حمل مطلق بر مقید است

این گروه برای حمل مطلق بر مقید چنین استدلال نموده‌اند که مقید قرینه بر مراد مولی است و با وجود مطلق معلوم می‌شود که مراد مولی از اول خصوص مقید بوده است (مظفر، ۱۳۸۲: ۲۰۳). بعضی گفته‌اند: تقدم مقید بر مطلق به خاطر ظهور مقید در وجوب تعیینی بودن است و این ظهور مقید، اقوی از ظهور مطلق در اطلاق می‌داند (خراسانی، ۱۴۳۳: ۲/۲۲۲).

در آیات جهاد، آیات مطلقه بر آیات مقیده حمل می‌شود و نتیجه‌اش وجوب دفاع است و جنگ با دشمن در صورت حمله آن‌ها جایز است.

دوم، نسخ آیات مقیده توسط مطلقه

دومین راه برای رفع تنافی ظاهر آیات، نسخ شدن آیات مقیده توسط آیات مطلقه است. نتیجه آن جواز جنگ ابتدایی با دشمن برای گسترش اسلام است (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۵/۲۸۸).

صاحب مجمع البیان، احتمال نسخ آیه مقیده را رد کرده، اگر مسئله نسخ باشد آن حکم دیگر است، می‌نویسد: از ائمه^ع در باره این آیه مقیده «و قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ...» سؤال شد که آیا حکم آیات مقیده نسخ شد؟ فرمودند: این آیه نسخ کرد آیه و حکم دیگری را که می‌فرماید، «كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ...» (نسا: ۷۷) از کشتن مشرکان دست برداشته نماز را بپا دارید (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲/۵۱۰).

اصحاب پیغمبر^ص وقتی در مکه بودند مأمور به صبر و سکون و ترک مقاتله با کفار و اقامه نماز و ادای زکوة بودند و چون از مشرکین به آنها آزار و اذیت می‌رسید شکایت به پیغمبر^ص می‌نمودند و اذن مقاتله با آن‌ها را می‌طلبیدند و چون مصلحت نبود مأذون نمی‌شدند تا آنکه به مدینه هجرت نمودند و مرخص در جهاد شدند (کاشانی، ۱۳۳۶: ۶/۱۱۵۸).

سوم، قول به تدریجی بودن تشریح جهاد

حکم جهاد تدریجی بوده، به تناسب ظرف زمانی و وضع سیاسی و محیط مکانی مسلمانان وضع شده است.

لذا آیات جهاد به تبع آن بر شش قسم می‌باشد؛ و هر کدام ناظر به شرایط خاصی است بعضی از آن‌ها مربوط به جهاد دفاعی و بعضی مربوط به جهاد ابتدایی با شرایط خاص خود می‌باشد. برای روشن شدن این نظریه به مراحل ششگانه تشریح جهاد به صورت اختصار اشاره می‌گردد.

۱. مرحله منع و کف از جهاد و مواجهه با دشمن است. مانند: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً وَقَالُوا رَبَّنَا لِمَ كُتِبَ عَلَيْنَا الْقِتَالُ لَوْ لَا أَخَّرْتَنَا إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِمَنِ اتَّقَى وَلَا تُظْلَمُونَ فَتِيلًا» (نساء ۷۷) با اینکه سوره نساء مدنی است، ولی از آن حالت ابتدایی مسلمانان وضع آنان خبر می‌دهد؛ و آنان را از تعرض به دشمنان منع نموده است.

۲. مرحله اذن در جهاد، بعد از خروج مسلمانان از مکه و استقرار آن‌ها در مدینه بوده، مانند آیه «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقْتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ» (حج: ۳۹).

۳. مرحله تشریح و جوب دفاع، در این مرحله امر از اذن بالا رفته، جهاد واجب شده است. مانند: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (بقره: ۱۹۰).

۴. مرحله جوب جهاد ابتدایی، در بعضی آیات تعبیرات طوری است که وجوب جهاد اعم از دفاعی و ابتدایی را می‌رساند. مانند: «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كَرْهٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (بقره: ۲۶).

۵. مرحله تحریض، ملامت و تهدید بر ترک جهاد، در قرآن کریم آیات زیادی داریم که بر این مرحله دلالت دارد. مانند: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِّنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ» (انفال: ۶۵). مانند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ انْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ اثَّاقَلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ أَرْضِيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ. أَلَا تَنْفِرُوا

يُعَذِّبُكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَيَسْتَبْدِلُ قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّوهُ شَيْئًا وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (توبه: ۳۸-۳۹).

۶. مرحله نفر و کوچ عمومی برای جهاد، مانند: «انْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (توبه: ۴۱) و در مانند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ» (توبه: ۱۲۳) غیر از کوچ عمومی، دستور جهاد عمومی داده شده تا از هر طرف در دنیا، اسلام گسترش یابد، مسلمانان با کفار هم جوار خود کارزار کنند معنایش همان گسترش دادن اسلام و برقرار کردن سلطنت اسلام بر همه دنیا است (طباطبایی، بی تا: ۹/ ۴۰۴).

توجه به مجموعه این آیات و دقت در آن‌ها معلوم می‌سازد که هر کدام عنوان خاصی دارد. تا مرحله سوم عنوان رد عدوان دارد. این طور آیات مطلقه حمل بر مقیده می‌شوند و نتیجه‌اش مشروعیت جهاد دفاعی است. چون عنوان رد همان دفاع است اما بعد از مرحله سوم تا مرحله ششم آیات عنوان سد و جلوگیری از دشمنان است و آن بالا تر از دفاع است و این همان جهاد ابتدایی است در این آیات امکان حمل بر آیات مقیده وجود ندارد (آصفی، ۱۳۷۹: ۶۲).

در نتیجه؛ ما آیاتی داریم که مربوط به مرحله دفاع است و هم آیاتی داریم که جهاد ابتدایی را می‌رساند. با این نتیجه بعضی از بزرگان از فقها نیز موافق بوده و شواهدی از روایات نیز آورده‌اند، برخی از فقها جهاد ابتدایی را قبول ندارند از جمله شیخ طوسی در نهاییه و بسیاری دیگر آن‌ها نیز برای اثبات مدعای خویش به احادیثی تمسک جستند (جمعی از مؤلفان، بی تا: ۳/ ۲۹۸).

به دنبال بحث ارائه راه حل تنافی موجود بین آیات مطلقه و مقیده این بحث مطرح می‌شود، که از سه راه حل فوق کدام یک ترجیح دارد برای انتخاب نظر برتر باید سیر نزول آیات جهاد را دنبال کرد، درباره نزول اولین آیه تشریح جهاد دیدگاه‌ها فراوانی بین مفسرین وجود دارد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند:

دیدگاه اول: بعضی از مفسرین معروف شیعه از جمله طبرسی و علامه اولین دستور جهاد با مشرکین و اولین آیات تشریح جهاد را توسط این آیه می‌دانند: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ

يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (بقره: ۹۰) (و در راه خدا، با کسانی که با شما می‌جنگند، نبرد کنید! و از حدّ تجاوز نکنید، که خدا تعدی‌کنندگان را دوست نمی‌دارد!) با توجه به اینکه حکم و جوب جهاد در مدینه صادر شد، و اولین بار جهاد با مشرکین مکه بوده و سوره بقره اولین سوره مدنی است که در ضمن این آیه و آیات بعدی حکم جهاد را بیان می‌کند و می‌توان نتیجه گرفت که اولین آیه مربوط به تشریح جهاد، آن را مشروط به آغاز توسط دشمن نکرده است.

با توجه به آنچه گفته شد، این دو شخصیت بزرگ شیعی اولین دستور جهاد با مشرکین مکه را باهمین آیه می‌دانند. در این باره در مجمع البیان به چند قول اشاره دارد و در نهایت این آیه را اولین آیات تشریح جهاد قایل دانسته و می‌نویسد: بعضی گفته‌اند مقصود از این آیه این است که مسلمانان مأمور شدند که فقط با مردان بجنگند نه زنان. برخی دیگر معتقدند که این آیه فقط برای جنگ مسلمانان با اهل مکه است ولی بهتر اینست که بگوئیم که این آیه مطلق است و فرمان جنگ با مشرکان را می‌دهد (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲/ ۵۱۰).

در تفسیر المیزان این آیه و چهار آیات بعدی را مربوط به اولین فرمان جنگ با مشرکین مکه می‌داند و بر این مطلب چند دلیل ذکر کرده، می‌نویسد: سیاق آیات شریفه دلالت دارد بر اینکه همه یکباره و با هم نازل شده که همه یک غرض را ایفا می‌کنند و آن عبارت است از فرمان جنگ برای اولین بار با مشرکین مکه، اینکه می‌گوئیم به خصوص مشرکین مکه از اینجا می‌گوئیم که در این آیات به ایشان تعریض شده که مؤمنین را از مکه بیرون کردند، و نیز متعرض مسئله فتنه و امر قصاص است، و نیز نهی می‌فرماید از اینکه این جنگ را پیرامون مسجد الحرام انجام دهند، مگر اینکه مشرکین در آنجا جنگ را آغاز کنند و همه این‌ها اموری است مربوط به مشرکین مکه (طباطبایی، بی تا: ۲/ ۶۰).

از اهل سنت مانند طبری و هم فخر رازی آیه ۱۹۰/ بقره را اولین آیه تشریح جهاد می‌دانند. طبری در تفسیر خود به قول اول اشاره دارد، یعنی این اولین آیه است که در مدینه درباره قتال نازل شده است (طبری، ۱۴۱۲: ۲/ ۱۱۰).

در مفاتیح الغیب درباره شأن نزول همین آیه، دو قول نقل کرده است قول اول این است که این اولین آیه است که درباره قتال و جنگ نازل شده است. بعد از نزول این آیه رسول خدا^۳

با هر کسی که قتال می‌کرد با او قتال می‌کرد. قول دومش این است که این آیه بعد از صلح حدیبیه نارل شده است مسلمانان می‌ترسیدند که داخل مسجد الحرام، مشرکین جنگ را آغاز کنند، مسلمانان از جنگ در ماه حرام و داخل حرم کراهت داشتند خداوند به واسطه این آیه اجازه داد و کیفیت جنگ را بیان کرد (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۵/۲۸۸).

نقد دیدگاه اول

بر این دیدگاه چند اشکال شده است:

۱. ادعای نسخ این آیه بقره با آیه «فَإِذَا انسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرْمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَاحْصُرُوهُمْ وَاقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصَدٍ ...» (توبه / ۵) (وقتی ماه‌های حرام پایان گرفت، مشرکان را هر جا یافتید به قتل برسانید و آن‌ها را اسیر سازید و محاصره کنید و در هر کمینگاه بر سر راه آن‌ها بنشینید...) صاحب تفسیر مفاتیح الغیب از دیگران ادعای نسخ نقل کرده است (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۵/۲۸۸).

۲. محدود شدن حکم جهاد با مشرکین مکه

آیه تشریح جهاد را محدود به جهاد با مشرکین مکه کرده است. بنا بر این آیه از این جهت اطلاقی ندارد. علامه طباطبایی در المیزان این آیه را مربوط به مشرکین مکه دانسته و می‌نویسد: و اینکه می‌گوئیم به خصوص مشرکین مکه از اینجا می‌گوئیم که در این آیات به ایشان تعریض شده که مؤمنین را از مکه بیرون کردند، نیز متعرض مسئله فتنه و امر قصاص است، و نیز نهی می‌فرماید از اینکه این جنگ را پیرامون مسجد الحرام انجام دهند، مگر اینکه مشرکین در آنجا جنگ را آغاز کنند و همه این‌ها اموری است مربوط به مشرکین مکه.

علامه طباطبایی برای اثبات این محدودیت وجه دیگری ذکر کرده و می‌نویسد: در این آیات قتال را مقید به قتال با کسانی کرده که حالشان حال قتال با مؤمنین است و کسانی که در مکه چنین حالی را داشته‌اند همان مشرکین مکه بودند (طباطبایی، بی تا: ۲/۶۰).

۳. تفسیر فرقان قایل است که آیه ۱۹۰/ بقره در صدد بیان حکم جهاد به صورت کلی نیست، در صدد بیان شرایط جنگ است و دلالتی بر جنگ ابتدایی و دفاعی ندارد. بلکه اهداف جنگ را مشخص می‌کند، باید برای خدا و اعتلای کلمه الله باشد، اعراض و منافع شخصی هدف نباشد برای ریا و سمعه نباشد (تهرانی، ۱۳۶۵: ۳/۹۵).

پاسخ به اشکالات

۱. قول نسخ مورد قبول نیست، چنان که علامه طبرسی می‌نویسد: از ائمه^ع درباره این آیه مقیده «و قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ...» سؤال شد که آیا حکم آیات مقیده نسخ شد؟ فرمودند: این آیه نسخ کرد آیه و حکم دیگری را که می‌فرماید، «كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ...» (نسا: ۷۷) از کشتن مشرکان دست برداشته نماز را بپا دارید (طبرسی، ۱۳۷: ۲/ ۵۱۰) بنابراین آیه محل بحث مورد نسخ واقع نشده است و نسخ دلیلی ندارد.

۲. آیه ۱۹۰/ بقره هر چند در صدد بیان اعلام جنگ با مشرکین مکه است، با اولین آیه تشریح جهاد منافات ندارد. بلکه خصوصیتی که در آیه هست و کم و کیف جنگ را مشخص می‌کند که جنگ باید در راه خدا باشد، با آنان که به شما حمله کرده بجنگید، نهی از تجاوز شده است، سازگاری را با اولین آیه تشریح جهاد دارد.

دیدگاه دوم: بعضی از مفسران آیه کتابت جهاد را در ردیف آیه تشریح جهاد آورده‌اند: «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهُ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (بقره/ ۲۱۶) جهاد در راه خدا، بر شما مقرر شد؛ در حالی که برایتان ناخوشایند است. چه بسا چیزی را خوش نداشته باشید، حال آن که خیر شما در آن است؛ و یا چیزی را دوست داشته باشید، حال آنکه شر شما در آن است؛ و خدا می‌داند، و شما نمی‌دانید)

در تفسیر کنز العرفان در بحث آیات وجوب جهاد آیه ۱۹۰/ بقره را به عنوان، اولین آیه ذکر نموده است که معلوم می‌شود ایشان این را اولی آیه تشریح جهاد می‌داند (مقداد، ۱۳۷۷: ۱/ ۴۸۷).

صاحب تفسیر الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، تشریح جهاد را دو مرحله قایل شده، مرحله اذن و مرحله تشریح، وی می‌نویسد: فرض قتال با این آیه است که اولین آیه است. إنها أولى الآيات في فرض القتال بعد الإذن فيه في آية الحج: «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ» (تهرانی، ۱۳۶۵: ۳/ ۲۶۵).

بعضی در کتاب جهاد در تقسیم بندی آیات، بحث اولش آیات تشریح جهاد است اولین آیه را همین آیه، قبل از آیه اذن، آورده است (همدانی، ۱۳۶۶: ۱۹).

از اهل سنت، سیوطی اذن جهاد را به همین آیه مربوط می‌داند، امادر مورد اولین آیه بودن سخنی ندارد و می‌نویسد: «وَأُذِنَ لَهُمْ فِي الْقِتَالِ فَنَزَلَتْ كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ يَعْنِي فَرَضَ عَلَيْكُمْ وَ أُذِنَ لَهُمْ بَعْدَ مَا كَانَ نَهَايَهُمْ عَنْهُ...» (سیوطی، ۱۴۰۴: ۱ / ۲۴۴).

بررسی دیدگاه دوم

دیدگاه فوق منافاتی با اولین بودن آیه / ۱۹۰ بقره ندارد، و با آن قابل جمع است. چنان‌که سیوطی نیز آیه کتابت را یکی از آیات تشریح جهاد به حساب آورده است.

دیدگاه سوم: بیشتر قایلین این دیدگاه بزرگان مفسرین اهل سنت هستند آنان قایل‌اند، اولین آیه تشریح جهاد، آیه اذن در سوره حج است مانند: «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنفُسِهِمْ ظُلْمًا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ» (به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل گردیده، اجازه جهاد داده شده است؛ چرا که مورد ستم قرار گرفته‌اند؛ و خدا بر یاری آن‌ها تواناست).

ابن عربی در شان نزول آیه از مجاهد نقل می‌کند که این اولین آیه است که درباره قتال نازل شده است. (ابن عربی، بی‌تا: ۳ / ۱۲۹۶). در اعراب القرآن هم از ابن عباس نقل می‌کند که اولین آیه درباره قتال همین آیه است؛ «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَءَاخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَأَن تَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ».

در تفسیر لباب التأویل فی معانی التنزیل هم ادعا دارد که وقتی اصحاب از دست مشرکین مکه اذیت می‌شدند، رسول خدا از مکه به سوی مدینه هجرت کرده خداوند به رسول خود به وسیله این آیه اذن جهاد داد (بغدادی، ۱۴۱۵: ۲۵۸).

در تفسیر الاساس فی التفسیر می‌نویسد:

وقتی مشرکین مکه سرکشی را به نهایت رساندند، تصمیم قتل نبی اسلام را داشتند او را از مکه خارج کردند. اصحاب به مناطق مختلف هجرت کردند، بعضی به حبشه و بعضی به مدینه هجرت کرد و در آنجا مستقر شدند اهل مدینه به رسول خدا پناه دادند بر نصرت نبی اسلام قیام کردند. این زمانی است که خداوند بوسیله این آیه جهاد را برای اولین بار تشریح کرد (حوی، ۱۴۲۴: ۳۵۶۹).

در تفسیرالحديث به دنبال این مطلب اضافه می‌کند:

اصحاب از اذیت مشرکین به رسول الله^ص شکایت کردند. آن حضرت می‌فرمود: صبر کنید من هنوز مأمور به جهاد نشده‌ام اما زمانی که به مدینه هجرت کرد آن وقت این آیه برای اولین بار نازل شد که خداوند در آن اذن جهاد داد (دروزه، ۱۳۸۳: ۶/۵۵؛ شوکانی، ۱۴۱۴: ۳/۵۴۰).

زحیلی هم قایل است که با توجه به قرآن درون متنی آیه اذن و آیات بعدی، آیه اذن اولین آیه تشریح جهاد است (زحیلی، ۱۴۱۸: ۷/۲۲۹).

از شیعه ملا فتح‌الله کاشانی هم همین مطلب را قبول دارد و می‌نویسد:

هر ساعت از اصحاب بعضی سرشکسته و جمعی دست بسته به نزد حضرت نبوت آمده شکایت می‌کردند و حضرت می‌فرمود صبر کنید که من به قتال مأمور نیستم و چون هجرت به مدینه واقع شد، اذن قتال در ر سید و اول آیتی که در باب جهاد نازل شد این بود که اُذِنَ دستوری داده شد. (کاشانی، ۱۳۳۶: ۶/۱۵۸).

بعضی دیگر از مفسرین شیعه قایل‌اند که این اولین آیه اذن جهاد دفاعی در مکه است؛ و این اذن بعد حظر است. در حد دفاع مسلمانان از خودشان است اذن هجوم نیست (تهرانی، ۱۳۶۵: ۱/۳۳۷).

نتیجه قول اخیر این است که جهاد دفاعی در مکه هم مشروعیت داشته، در حالیکه این مخالف قول مشهور است.

در اطیب البیان در تفسیر آیه، اذن را منوط به مظلومیت مسلمانان می‌داند، و می‌نویسد: اذن داده شد از برای کسانی که کفار و مشرکین و اهل ضلالت با آنها مقاتله می‌کنند به اینکه این‌ها مظلوم شدند، و محققا خداوند بر نصرت این‌ها هر آینه قدرت دارد (طیب، ۱۳۷۸: ۹/۳۰۶).

در تفسیر بغوی یک قول دیگر از مقاتل نقل کرده است، می‌نویسد: این آیه وقتی نازل شده است که مسلمانان را از هجرت به مدینه مانع می‌شدند و آنان را اذیت و آزار می‌دادند. آن وقت این آیه نازل شد. (بغوی، ۱۴۲۰: ۳/۳۴۳).

بعضی قایل اند که قبل از نزول این آیه شریفه جهاد با مشرکین و کفار ممنوع بوده، اذن جهاد بعد از منع آمده است؛ و اذن جهاد بعد از نهی از جهاد آمده است (سیوطی، ۱۴۰۴: ۳۶۴؛ برو سوی حقی، بی تا: ۳۸؛ ظهیری، تفسیر مظهری، ۱۴۱۲: ۳۲۶/۶). مفاد این اقوال آن است که جهاد دفاعی و انتقام صحیح است.

بعضی‌ها به جمع بندی آیات تشریح جهاد پرداخته‌اند؛ و آیه اذن را اولین آیه تشریح جهاد قرارداده است مانند: آقای معرفت، در بحث نسخ مشروط، بر تدریجی بودن تشریح حکم جهاد قایل است. ایشان حکم تشریح جهاد را چهار مرحله ای می‌داند. مرحله اول: آیات تشریح قتال از مرحله اذن در قتال، با نزول آیه اذن «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقْتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ» (حج: ۳۹) شروع شده، آن را مرحله اول می‌داند.

مرحله دوم: مقاتله با کفار متعدی و متجاوز، با نزول مانند: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَءَاخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَأَن تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ» (انفال: ۶۰) و مانند: «سَتَجِدُونَ ءَاخِرِينَ يَرِيدُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا بِكُمْ وَيَأْمِنُوا قَوْمَهُمْ كُلِّ مَا رُدُّوا إِلَى الْفِتْنَةِ أُرْكَسُوا فِيهَا فَإِنْ لَمْ يَعْتَرِلُواكُمْ وَيُلْقُوا إِلَيْكُمُ السَّلْمَ وَيَكْفُرُوا بِأَيْدِيهِمْ فَخُدُّوهُمْ وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ تَقْتُلُوهُمْ وَ أَوْلَانِكُمْ جَعَلْنَا لَكُمْ عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا مُبِينًا» (نساء: ۹۱) را قائل شده است.

مرحله سوم: آن آیات که جهاد با کفار مجاور و نزدیک به حوزه اسلامی را در بر گرفته است. مانند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلِيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ».

مرحله چهارم: بالاخره اعلام استیصال، نابود کردن مطلق کفار و مشرکین با نزول مانند: «ذَٰلَٰ أَنْسَلَخَ الْأَشْهُرَ الْحُرْمَ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَ خُدُّوهُمْ وَ أَحْصُرُوهُمْ وَ أَقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصَدٍ فَإِن تَابُوا وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ ءَاتَوْا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ» (توبه: ۵) و مانند: «وَ قَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ» (توبه: ۳۶) مدعی شده است (معرفت، ۱۳۷۸: ۲۶۷).

بعضی قایل اند که همه آیات ادعا شده مربوط به تشریح جهاد است منتهی تشریح جهاد تدریجی است و تشریح جهاد مراحل دارد، از اذن جهاد شروع شده تا به جهاد دفاعی و

و جوب نفر عمومی می رسد. به تناسب ظرف زمانی و محیط مکانی و وضع سیاسی مسلمانان (آصفی، ۱۳۷۹: ۱۷). این جمع بین آیات به ظاهر بهتر می رسد، چون با واقعیت و اوضاع رو به رشد رسول الله^ص در مدینه موافق تر است؛ و هم با بعضی از دیدگاه های مفسرین و فقها نزدیک تر است.

نقد

این مراحل و حل بین آیات تشریح جهاد در صورتی قبول است که بر طبق ترتیب موجود سوره ها مشی کنیم. اما اگر طبق ترتیب زمان نزول آیات مشی کنیم، آن وقت سوره حج بعد از سوره بقره نازل شده، چالش جدی اش این است اذن که در سوره حج را چطور مرحله اول بدانیم؟

مگر اینکه بگوئیم، آیه اذن در سوره حج که بعد از سوره بقره نازل شده است حکایت و اشاره به آیه / ۱۹۰ بقره باشد که در آن آیه حکم جهاد آمده است. آیه اذن خودش حکم نداشته باشد فقط حکایت باشد. مانند: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً وَقَالُوا رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ لَوْ لَا أَخَّرْتَنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّمَنِ اتَّقَىٰ وَلَا تُظْلَمُونَ فَتِيلًا» (نساء: ۷۷). این سوره مدنی است برای حکایت از آن حالت ابتدای مسلمانان و ضعف آنان در مکه خبر می دهد. با این بیان دیدگاه اول قوت می گیرد که اولین آیه تشریح جهاد آیه ۱۹۰ بقره می باشد. بزرگانی از مفسرین از جمله علامه طباطبایی در المیزان، طبرسی در مجمع البیان، فخر رازی و طبری قایل به آن اند و با ترتیب نزول سوره ها هم سازگار است. بنابر این با بررسی سیر نزول آیات جهاد روشن شد که اولین آیه تشریحی جهاد آیه ۱۹۰ سوره بقره می باشد که در مدینه نازل شده است مفاد آن مشروعیت جهاد دفاعی است و با مرور زمان و تغییر وضعیت مسلمانان و قدرت یافتن آنان آیات دیگری نازل گردیده و جهاد ابتدایی به جهت گسترش اسلام را تشریح نموده است بنابراین، مطالعه سیر نزول آیات جهاد نشانگر مشروعیت جهاد ابتدایی و دفاعی و ابتدایی با وجود شرایط می باشد.

نتیجه

جهاد اسلامی به عنوان یک قانون مهم برای گسترش اسلام و حفظ تعالیمش تشریح گردیده است.

دفاع هر موجود از هستی و از منافع خود یک ناموس عمومی است. این موضوع فطری در میان جوامع بشری نیز ثابت و استوار است. جهاد در حقیقت حفظ کرامت و تعالی فرد و جامعه و نجات بشر از ظلمت بسوی نور است.

در قرآن کریم در باره جهاد آیات زیادی داریم، بعضی از آیات مطلق و بعضی مقید اند. مفسرین چند راه حل برای رفع تنافی ظاهری آیات ارائه نموده‌اند که از لحاظ فنی و علمی نتایج ذیل بدست آمد.

۱ آغاز نزول آیات تشریح جهاد در مدینه بوده.

۲. بعضی آیات تشریح مربوط به جهاد دفاعی است.

۳. بعضی از آیات مربوط به جهاد ابتدایی است و جهاد را برای گسترش اسلام جایز دانسته است، لحن آیات بالاتر از مرحله دفاع است. مانند: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِّنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَّا يَفْقَهُونَ» (انفال: ۶۵) و آیات مانند: «أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ انْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَنَا قُلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ. إِنْ تَنْفِرُوا يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَيَسْتَبْدِلَ قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّهُ شَيْءٌ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (توبه: ۳۸-۳۹). بنابراین مفاد آیات جهاد آن است که در اسلام هم جهاد ابتدایی و هم جهاد دفاعی با وجود شرایط، مشروع است.

۴. بعضی از آیات حالت هجومی دارد و بر کوچ عمومی به سوی جهاد دلالت دارد.

درباره اولین آیه تشریح جهاد بین سه دیدگاه ثابت شد که اولین آیه تشریح جهاد آیه / ۱۹۰ بقره است که نشان دهنده تشریح جهاد دفاعی است و بعد از آن با قدرت یافتن مسلمانان و با وجود شرایط، آیات دیگری نازل شده و وجوب جهاد ابتدایی را تشریح کرده است.

کتابنامه

قرآن.

آصفی، محمدمهدی، الجهاد، قم، دفتر تبلیغات اسلامی قم، ۱۳۷۹.

ابن عبدالعزیز، سلار، مراسم، انتشارات اسلامی، بی تا.

ابن عربی، محمد بن عبدالله، احکام القرآن، دار الجیل، بیروت، چاپ اول، بی تا.

ابن فارس، احمد مقایس اللغة، بیروت، محمد علی بیضون دار کتب علمیه چاپ اول، ۱۴۲۰ق.

ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب بیروت، دار الصادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.

اصفهانى، راغب مفردات، بیروت، دار القلم، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.

بروسوی، حقی، اسماعیل تفسیر روح البیان، بیروت، دارالفکر، چاپ اول، بی تا.

بغوی، حسین بن مسعود، معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.

بغدادی، علاءالدین احمد بن محمد، لباب التأویل فی معانی التنزیل، بیروت، دارالکتب العلمیه،

۱۴۱۵ق.

تهرانی، محمد صادقی، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، انتشارات فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵.

سیوطی، جلال الدین، الدر منثور، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.

جمعی از نویسندگان، مجله فقه اهل بیت^ع، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت،

قم.

جوهری، اسماعیل بن حماد، معجم الصحاح، بیروت، معرفه، چاپ سوم، ۱۴۲۹ق.

حسینی، شاه عبدالعظیمی، تفسیر اثنا عشری، تهران، انتشارات میقات، ۱۳۶۳.

حلبی، ابی صلاح، الکافی فی الفقه، مکتبه الامام امیرالمؤمنین.

خراسانی، محمدکاظم، کفایه الاصول، قم، جامعه مدرسین قم، چاپ هشتم، ۱۴۳۳ق.

دروزه، محمد عزت، التفسیر الحدیث، دار احیاء الکتب العربیه، قاهره، ۱۳۸۳ق.

زحیلی، وهبه بن مصطفى، التفسیر المنیر فی العقیدة والشریعة ولمنهج، بیروت، دارالفکر المعاصر، ۱۴۱۸ق.

سیوری، فاضل مقداد، کنز العرفان فی فقه القرآن، مجمع تقریب بین مذاهب، چاپ اول.

شافعی، محمد بن ادريس، الام، بیروت، دار الفکر، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.

شرتونی، سعید الخوری، اقرب الموارد، قم، مکتبه مرعشی نجفی.

شوکانی، محمد بن علی، فتح القدير، دمشق، بیروت، دار ابن کثیر، دار الکلم الطیب، ۱۴۱۴ق.

طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲.

طوسی، محمد بن حسن، النهایه و نکتها، انتشارات اسلامی.

طیب، سید عبد، اطیب البیان، تهران، انتشارات اسلام، ۱۳۷۸.

طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۱۲ق.

عسقلانی، محمد بن حجر، العجائب فی بیان اسباب، دار ابن حزم لبنان، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.

فخر رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.

فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، بیروت، محمدعلی بیضون، دار کتب علمیه، چاپ اول، ۱۴۲۴ق.

فیومی، احمد بن محمد، مصباح منیر، قم، مؤسسه دار الهجرة، چاپ دوم، بی تا.

کاشانی، ملا فتح الله، منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران، کتابفروشی محمدحسن علمی.

قرشی، سید علی اکبر، قاموس قران دار الکتب الإسلامیة، تهران، ۱۳۷۱.

محقق، محمدباقر، نمونه بینات در شأن نزول آیات، مشهد، کنگره هزاره شیخ طوسی، دانشگاه مشهد، چاپخانه حیدری، ۱۳۵۰.

مظهری، محمد ثناء الله، تفسیر مظهری، مکتبه رشديه، پاکستان، ۱۴۱۲ق.

مظفر، محمدرضا، اصول الفقه، بوستان کتاب دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ دوم، ۱۳۹۸.

معرفت، محمدهادی، علوم قرآنی، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید، چاپ اول، ۱۳۷۸.

مفيد، محمد بن نعمان، المقنعه، انتشارات اسلامى، بى جا، بى تا.

موسى، حسين يوسف، الافصاح فى الفقه، مكتب الاعلام الاسلامى، چهارم، قم ١٤١٠ق.

نجفى، محمد بن حسن، جواهر الكلام، دار الاحياء تراث العربى بيروت، چاپ هفتم ١٩٨١.

نحاس، احمد بن محمد، اعراب قرآن، منشورات محمدعلى بيضون، بيروت، دار الكتب العلميه، ١٤٢١ق.

نورى همدانى، حسين، كتاب جهاد، قم، نشر فرهنگ اسلامى، ١٣٦٦.

نیشابورى، على بن احمد، الوجيز فى تفسير الكتاب العزيز، قم، دار القرآن الكريم، ١٤١٣ق.

A Comparative Study of the Structure of Jihad Verses *

Muhammad Jawad Nouruzi **

Sayed Ahmad Hussein Husseinini ***

Abstract

An important topic in exegesis and Quranic sciences is the comparative study of the revelation of verses concerning Jihad (war waged against the enemies of Islam). There are three major views among Muslim scholars about the revelation of verses on the legislation of Jihad. The term 'Jihad' has been mentioned in the Quran in Chapter al-Tawbah, verse 24, Chapter al-Furqan verse 53 and Chapter al-Mumtahinah verse 1. In some of these verses, Jihad is allowed and considered lawful only when the enemy wages a war while in some other verses, the validity of Jihad is not linked to an attack by the enemy. Rather, offensive Jihad or a war initiated by Muslims has been allowed. To reconcile between these sets of verses, it has been said that the verses which are absolute are restricted by the verses which instruct Muslims to defend themselves against the enemy attack. Some have reconciled the verses in a way such that the restricted verses are said to have been abrogated by the absolute verses. Thus, launching an attack on the enemy to spread and expand Islam is permissible. Some others are of the view that offensive Jihad and defensive Jihad are two types of Jihad that are obligatory at two different stages. To distinguish the chronology of revelation of these verses, several explanations have been given. Given the fact that Surah al-Hajj was revealed after Surah al-Baqarah, the first opinion is acceptable and verse 190 of Chapter al-Baqarah is the first verse that aims to legislate Jihad .

Keywords: comparison, Jihad, fighting, legislation.

* Date of submission: 23/10/2016 Date of acceptance: 1/1/2017 .

** Assistant professor, Al-Mustafa International University.

*** PhD, Comparative Exegesis of Quranic Sciences.